بسم الله الرحمن الرحیم

اذا جاء نصر الله و الفتح

و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا

فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا

اذا: به مستقبل میبرد

آن هنگام که نصرت الله و فتح برسد

و ببینی مردم را که داخل میشوند در دین الله گروه گروه

پس تسبیح کن همراه با حمد پروردگارت و از او طلب غفران نما؛ چراکه او بسیار بازگردنده و توبه کننده است

فضای سخن: آیه ی اول و دوم به آن تصریح دارد. مومنان در آستانه ی فتح و نصرت الهی هستند.

همه میدونند که شکست ظرفیت میخواهند. کسی اگر شکست خورد، باید بتونه دوباره بلند بشه. اما چیزی که مورد غفلته اینه که پیروزی ظرفیت میخواهد. شکست ها، نتیجه ی عدم ظرفیت در پیروزی هاست.

سوره از یک آینده سخن میگوید: آن هنگام که نصرت الهی و یاری برسد به گونه ای که مردم در دین خدا گروه گروه وارد میشوند، یک وظیفه داری...

پس فضای سخن این است که در آستانه ی فتح و پیروزی چگونه باید باشی.

سوره خطاب به پیامبر است. چرا؟ چون اون رهبر جریان است به عنوان یک الگو به او نگاه می کنند. همه منتظرند ببینند امام چه میگوید: خرمشهر را خدا آزاد کرد.

لذا خدا، پیامبر را به عنوان رهبر و الگوی جریان حق، خطاب قرار میدهد.

وظیفه ات این است: اولا تسبیح پروردگار همراه با حمد او. (حمد را زیرمجموعه ی حمد قرار میدهد) چرا؟ چون وقتی ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا میشوند، ممکن است از این طرف منت بالا بگیرد که: ما یه کاری کردیم که مردم حالا دارن به دین روی می یارن. پس، ما یه کاری کردیم برای خدا! و خدا به ما نیاز داشته!

پس همراه با این ستایش، تسبیح کن که خدایا میدانم تو در اوج بی نقصی و بی خللی و بی نیازی هستی و به هیچ کس و هیچ چیزی نیازی نداری؛ و من در اوج نیازم (استغفار یعنی طلب مغفرت. غفران یعنی پوشاندن. چه کسی طلب پوشاندن میکند؟ کسی که خلل های فراوان دارد. پس خود را در این مقام ببین که پر از ضعف و خللی و از خدا میخواهی این خلل را بپوشاند. پس استغفار نقطه ی مقابل تسبیح است.)

جایگاه بالایی که از پیروزی بدست می آید، ممکن است باعث عُجب و غرور شود و منتی برای خدا داشته باشند. لذا خدا قبل از رسیدن پیروزی، میگوید که وقتی پیروزی رسید، تسبیح پروردگار را انجام بده و استغفار کن که خدایا تو هیچ نیازی نداری و آنکه نیاز دارد، منم!

انه کان توابا: مثل پرچم سوره است. یعنی در مقابل فرمان خدا، ذلیل شدیم (در حالیکه در اوج بودیم و پیروز بودیم)

تغییر صحنه:

حالا وقتی مخاطب دقت می کند، متوجه میشود که چرا تعابیر اینگونه آمد: نصر **الله** بود. و نتیجه اش هم یدخلون فی دین **الله** شدند. فقط خدا بود و شما کاره ای نبودید.

جایی که قرار است اتفاقی بیفتد و ممکن است اینطور تصور شود که مومنان پیروزی ای بدست آورده اند، تاکید میکند که باید اول یاری خدا برسد و بعد فتح برسد؛ بعد هم در دین خدا وارد میشود و بعد هم تسبیح و استغفار داشته باش.

لایه ی اول اثرگذاری، روی پیامبر ص و بقیه مومنان است

اثرگذاری کلی: خطاب به رهبران جامعه ی اسلامی و پیروان ایشان است در هنگام پیروزی و رسیدن یاری خدا. اما در عین حال حاکی از یک قاعده ی کلی است: به هنگام پیروزی ها، نصرت خدا فراموش نشود. اینکه خدا نصرت کرده است. آن را از خود نبینید و از خدا ببینید. چون حقیقتی این وسط است که او بی نقص است و شما پر از نقص. و اگر پیروزی ای برسد، از جانب بی نقص است.

توصیه به خواندن این سوره برای اینکه اگه چیزی بخواهد امثال من و شما را زمین بزند، این نیست که چرا از ما تقدیر نکردند به عنوان بندگان خدا؛ بلکه عٌجب نسبت به موفقیت هاست

شرط سوره: اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا

جواب شرط: فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا

از بین شرط و جواب، اصل سخن در جواب شرط است. جواب شرط خودش دو قسمت است:

1. تسبیح همراه با حمد؛ اقرار به جلال و جمال الهی (چرا؟ جلال الهی در تسبیح است و جمال او در حمد)
2. استغفار؛ اعتراف به ضعف و عجز و ناتوانی در خودمان

جواب شرط، سیره ی رسول خداست که فرمان آن را خدا داده.

اگر پیروزی اول را از جانب خودمان ببینیم، پیروزی دوم را هم از جانب خود میخواهیم و اگر پیروز نشویم مشخص میشود که پیروزی اول هم از جانب ما نبوده است.

در بدر، پیروز شدند اما در احد شکست خوردند زیرا گویا ظرفیت پیروزی آنطور که باید، حاصل نیست.